

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُرِيهِمْ آيَاتِهِ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ
وَالَّذِي يُخْرِجُ النَّوْمَ

- دانشکده الهیات و معارف اسلامی
- گروه فقه شافعی
- مباحث اصول ۱
- جلسه ششم

- استاد: دکتر مصطفی ذوالفقار طلب
- دستیار: الهام صادقی نسب

اقسام لفظ به اعتبار ظهور و خفای آن

● مقدمه:

علمای علم اصول در اقسام لفظ به اعتبار ظهور و خفای آن دارای دو تقسیم متمایزی هستند به طوری که در این مسئله روش تقسیم مکتب اصولی فقها (حنفیه) غیر از روش مکتب اصولی متکلمان (شافعیه) است.

در این مبحث ابتدا به اقسام لفظ به اعتبار ظهور و خفای آن در نزد مکتب اصولی (حنفیه) و سپس در نزد مکتب اصولی متکلمان (شافعیه) می پردازیم.

بخش اول: اقسام لفظ به اعتبار ظهور و خفای آن نزد فقها (حنفیه)

- اول - اقسام لفظ واضح الدلالة در نزد فقها (حنفیه)

۱- ظاهر: هر لفظی یا کلامی که مراد از آن بنفسه با صیغه موجود و بدون قرینه یا تأمل برای مخاطب آشکار باشد، خواه مراد از لفظ یا کلام در اصل همان معنا باشد یا نه.

نمونه ها :

الف- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ» «ای مردم، از آن پروردگارتان پروا بدارید» {نساء: ۱} که مفهوم پیشه کردن تقوا در این آیه شریفه آشکار و اساساً مراد از بیان آیه نیز همین بوده است.

ب - «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» «{حال آنکه خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام شمرده است} بقره: ۲۷۵»
ظاهر معنای آیه که به ذهن متبادر می گردد ، حلال بودن بیع و حرام بودن رباست ، ولی مقصود اصلی آیه مذکور ، بیان حلال بودن بیع و حرام بودن ربا نیست ، بلکه مقصود اصلی بیان تفاوت بین بیع و رباست چه آنکه آیه مذکور در رد کسانی آمده است که گفته اند بیع همان رباست.

نکات:

- نکته اول: حکم لفظ یا کلام ظاهر، وجوب عمل به معنای ظاهری آن است؛ تا زمانی که دلیلی برای عدول از معنای ظاهری آن به غیر معنای ظاهری آن وجود نداشته باشد.

مثال عدول از معنای ظاهر: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» {بقره: ۲۷۵} مفهوم این آیه ظاهر است در حلال بودن بیع و حرام بودن ربا؛ ولی عموم این آیه را به دلایل دیگر از قبیل احکام بیع معدوم و سایر بیوع محرمة تخصیص یافته است.

- نکته دوم: در ظاهر احتمال تأویل (تخصیص عام، تقیید مطلق، مجاز بودن لفظ و....) وجود دارد

- نکته سوم: ظاهر در عصر تشریح قابل نسخ بوده ولی پس از وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قابل نسخ نیست.

۲) نصّ: هر لفظ یا کلامی که با داشتن قرینه ای، دارای وضوح معنا باشد به طوری که مراد متکلم نیز همان معنای با قرینه (معنای زائد بر ظاهر) باشد.

- نمونه: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» آیه مذکور در معنای حلال بودن بیع و حرام بودن ربا، ظاهر است ولی با {شأن نزولی} در بیان تفاوت بین بیع و ربا در قبال سخن کفار مبنی بر همسانی بیع و ربا، نصّ است.

نکات:

نکته اول: حکم لفظ با کلام «نصّ» وجوب عمل به معنای اصلی آن است.

نکته دوم: نصّ، قابل تأویل (تخصیص عام، تقیید مطلق و مجاز بودن و ...) و نیز در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قابل نسخ است.

نکته سوم:

معنای ظاهر، مقصود تبعی ولی معنای نصّ مقصود اصلی است

دلالت نصّ، واضح تر از دلالت ظاهر است.

تفاوت بین ظاهر و نصّ

به هنگام تعارض بین نص و ظاهر نص بر ظاهر مقدم است.

احتمال تأویل در نصّ دورتر از احتمال تأویل در ظاهر است.

۳) مفسّر: لفظ یا کلامی که معنای آن ،بیانگر معنای مقصود است و وضوح معنای آن به حدی است که قابل تأویل نیست ؛ ولی قابل نسخ در عهد رسالت است.

● نمونه ۱: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ» «به هر يك از زن و مرد زناكار

صد تازیانه بزنید» {نور: ۲}

● وجه استدلال: اگر لفظ «مئة جلدة» در آیه نمی بود ، احتمال تأویل وجود داشت؛ بدین طریق که تعداد تازیانه ها مشخص نمی بود و با زدن هر اندازه از تازیانه ،مقصود حاصل می شد ، ولی با آمدن لفظ «مئة جلدة» احتمال تأویل رفع شده است و در نتیجه مقدار کم یا زیاد در آن متصور نیست.

● نمونه ۲: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» « و با همه مشرکان پیکار کنید» {توبه: ۳۶}

● وجه استدلال: لفظ «المشركين» بدون در نظر گرفتن لفظ «كافة» عام است و احتمال تأویل (تخصیص و) وجود دارد ؛ ولی با آمدن لفظ «كافة» احتمال تخصیص در آن وجود ندارد که وضوح آن از نوع مفسّر است.

نکات:

- **نکته اول:** حکم لفظ «مفسّر» و جوب عمل به آن (تفصیل آن) است به طوری که قابل تأویل نیست ولی در عصر تشریح نسخ بردار است.
- **نکته دوم:** لفظ «مفسّر» (تفسیر کننده)، معمولاً از نوع عدد، با تأکید (کافه)، (اجمعین)، (کلهم) و یا جملات توضیحی از نوع تفسیر ما قبل خویش (مجمل) است. مانند: «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» ← **صلوا** ← **دال** / **رأیتُمونی اصلی** ← **مدلول**
- **نکته سوم:** وضوح مفسّر بیشتر از «نصّ» و «ظاهر» است.

۴) محکم: لفظی است که خود به طور واضح بیانگر معنایش است به طوری که قابل تأویل ، تخصیص و نسخ نیست.

● **نمونه:** احکام وابسته به عقیده (ایمان به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، رسل و روز آخرت) اصول و قواعد اخلاقی (امانت ، وفای به عهد ، صلح رحم و) و ذم مسائل غیر اخلاقی مانند خیانت ، ظلم و قطع رحم و یا احکام فقهی بدیهی و ثابت مانند محرّمات ابدی و عدم قبول ابدی شهادت قاذفین.

نکات:

نکته ۱: حکم لفظ محکم ، وجوب عمل به آن است.

نکته ۲: لفظ محکم ، از اتمام الفاظ وضوح ، واضح تر است.

نکته عمومی: تمام الفاظ چهارگانه ظاهر الدلالة ، بر معنایشان دلالت یقینی دارند؛ ولی هر گاه از روی دلیل دارای معنای غیر آن باشند ، از نوع دلالت ظنی می باشند.

دوم: اقسام لفظ غیر واضح الدلالة نزد فقها (حنفیه)

- **نکته:** هر یک از اقسام لفظ غیر واضح الدلالة به ترتیب در مقابل لفظ واضح الدلالة (ظاهر، نصّ، مفسّر ف محکم) قرار دارند.

ظاهر ← خفی

نصّ ← مشکل

مفسّر ← مجمل

محکم ← متشابه

۱) **خفی:** لفظی است که در دلالت بر معنایش واضح است؛ ولی به سبب عارضه موجود در غیر آن لفظ، بعضی از مصادیق آن مبهم است که برای رفع این ابهام نیاز به نظر و تأمل است.

● **نمونه:** «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» و «دستان مرد و زن دزد را، به کیفر عملی که»

مرتکب شده اند، به عنوان عبرتی از [جانب] خدا ببرید» {مائده: ۳۸}

ظاهر معنای لفظ «السارق» هر آنکس است که مخفیانه مال غیر را از حرز بر می دارد، ولی دلالت آن در بعضی از مصادیق آن از قبیل طرار (جیب بر)، نباش (کسی که کفن مردگان را از قبر از طریق نبش قبر بر می دارد) مبهم است که برای رفع این ابهام نیاز به تأمل و تحقیق وجود دارد.

نکته: حکم خفی، وجوب تأمل و تحقیق در رفع ابهام برای دستیابی به معنای مورد نظر است.

۲) مشکل: لفظی که معنایش به دلیل اختلاط با موارد مشابه (به دلیل خود لفظ) مشتبه شده است. (لفظ دارای احتمالات معانی متعدد) و با تأمل و قرینه قابل رفع است.

● نمونه ۱: «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» «و زنان طلاق داده شده

باید خودشان را تا سه حیض [یا پاکی] چشم به راه دارند» {بقره: ۲۲۸}؛

● لفظ «قرء» جمع قروء دارای دو معنای متضاد حیض و طهارت است که مراد از معنای آن با قرینه های دیگر لفظی یا نقلی مشخص می شود.

● نمونه ۲: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» «زنانتان کشتزار شما هستند، پس هر گونه

که خواهید، به کشتزار خود در آید» {بقره: ۲۲۳}

● لفظ (انی) دارای احتمال دو معنای ذیل است: کیف (چگونه) و من این (از کجا) که قرائن بیانگر معنای مقصود است.

نکات

- **نکته اول:** وجوب تأمل و تحقیق در ادله و قرائن بیانگر معنای مورد نظر لفظ مشکل و عمل به آن معنای مورد نظر.
- **نکته دوم:** مشترک لفظی از الفاظ مشکل محسوب می شود.
- **نکته سوم:** تفاوت بین خفی و مشکل آن است که خفای در «خفی» در خارج از لفظ می باشد و دستیابی به مراد از آن بدون قرینه امکانپذیر است ؛ بر خلاف خفای در مشکل که ناشی از خود لفظ می باشد و دستیابی به معنای مورد نظر با وجود قرینه امکانپذیر است.

۳) مجمل: لفظی است که معنای مقصود آن، خفی است؛ به طوری که معنای مقصود آن - به دلیل عدم وجود قرینه - تنها از طریق خود متکلم قابل فهم است.

● نمونه: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً» «به راستی که انسان ناشکیبا آفریده شده است» {معارج: ۱۹}

● مراد از «هلوع» نا معلوم است که ایه بعد، مراد از هلوع را تبیین می کند: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً» {معارج: ۲۰ و ۲۱} «هر گاه به او مصیبت رسد، نگران، و چون آسایشی به او رسد، بخیل»

● نکات:

● نکته ۱: حکم عمل به لفظ مجمل، توقف در تعیین مراد از یکی از معانی آن است؛ مگر آنکه مراد آن توسط متکلم (مجملاً) بیان شود.

● نکته ۲: اجمال دارای اسبابی است، از جمله:

● الف: مشترک لفظی بدون قرینه

● ب: غرابت لفظی

● ج: نقل معنای لغوی به شرعی

۲) متشابه: لفظی که معنای مقصود، خفی است و لفظ نیز بیاتر معنای مورد نظر نیست و قرینه ای نیز برای از بین بردن این خفا وجود ندارد، بلکه شارع معنای مقصود را به خود اختصاص داده است.

● نکات:

● **نکته ۱:** در آیات احکام و احادیث احکام لفظ متشابه وجود ندارد. بلکه در حروف مقطعه و آیات مربوط به صفات خداوند (الرحمن علی العرش استوی) و (ید الله فوق ایدیهم) وجود دارد و بر این اساس، متشابه از مباحث کلامی است نه اصولی.

● **نکته ۲:** حکم متشابه: دو روش برای شناخت معنای مقصود لفظ متشابه وجود دارد:

● الف: روش جمهور اهل سنت و سلف و اصولیین: امتناع از تأویل لفظ متشابه

● ب: روش معتزله (خلف) تأویل لفظ متشابه